

ابراهیم امینی

# ناسازگاری بچه‌ها



ژوئیه ۱۳۸۰  
 نشریه علمی و مطالعات  
 فصلنامه علمی و مطالعات  
 فصلنامه علمی و مطالعات

هل می دهد . یکی اسباب بازی دیگری را بر می دارد ، آن یکی دفتر مشق او را خط می زند . خواهر برادرش را مسخره می کند ، برادر هم بلند بلند حرف می زند . ناخواهرش نتواند درس حاضر کند . . .

یکی از مشکلات بزرگ خانوادگی ناسازگاری و نزاع بچه ها است . وقتی تعداد بچه ها از یک نفر تجاوز کرد نزاع و کشمکش شروع خواهد شد . آن یکی به دیگری نیشگون می گیرد ، دیگری او را

بسازند. بزرگترها تا این حد کدشت ندارند. یکی از روانشناسان در این باره می‌نویسد: مهمترین نکته اینست که باید این فکر را کنار بگذارید که می‌توانید خانه‌ای داشته باشید با چند بچه وهمه آنها باهم سازش داشته‌جنگ و نزاعی در کار نباشد. تقریباً "باهر بچه‌ای که صحبت کرده‌ایم می‌گوید: پدر و مادرم فکر می‌کنند که ما وقتی باهم هستیم باید بهتر از این سازش داشته باشیم. اگر شما برای روبروشدن با حقیقت و واقعیت از انتظارات خود بکاهید از این جنگ و نزاع کودکان کمتر ناراحت می‌شوید. ۱

اما این مطلب را هم بدانید که این رفتار کودکان ادامه ندارد بلکه در طول ایام خود بخود برطرف خواهد شد. پدر و مادر اگر رفتار کودکان را به عنوان یک واقعیت بپذیرند تا حدودی راحت می‌شوند. و اقلاً نزاع و کشمکش کودکان را به خودشان سرایت نمی‌دهند.

یکی از روانشناسان می‌نویسد: شاید بسیاری از کارهای بچه‌ها از قبیل مسخره کردن یکدیگر و سر برهم گذاشتن و داد و فریاد و بالاخره دعوا و کشتی‌گیری فقط با مرور زمان و بزرگ شدن کودک از بین برود ۲

درست است که پدر و مادر غالباً "موفق نمی‌شوند که نزاعها و کشمکشهای بچه‌ها را بکلی مرتفع سازند اما با عقل و تدبیر می‌توانند آن را به حداقل تنزل دهند. یک پدر و مادر آگاه و مسئول نمی‌تواند تماشاگر صحنه‌های زد و خورد بچه‌ها باشد و هیچ‌عکس العملی از خویش نشان ندهد. بلکه وظیفه دارد که با عقل و تدبیر و صبر و حوصله عوامل اختلاف را برطرف سازد و حتی الامکان بچه‌ها را آرام کند و نگذارد به یکدیگر اذیت

هر بچه‌ای خوب می‌داند چه کار کند تا برادر و خواهرش را ناراحت کند و سروصدايش را راه بیندازد. بچه‌ها به حساب یکدیگر می‌رسند اما پدر و مادر در این میان زجر می‌کشند. مرجع شکایت بچه‌ها پدر و مادر هستند و چاره‌ای هم ندارند. بدتر از همه اینکه گاهی نزاع بچه‌ها به پدر و مادر هم سرایت می‌کند. مادر به پدر می‌گوید: عرضه نداری بچه‌ها را تربیت کنی اصلاً تو نمی‌ترسند، در اثر بی‌عرضگی تو است که خانه مامل میدان جنگ شده است. پدر به مادر می‌گوید: تو اگر زن دانا و باهوشی بودی بچه‌ها را اینطور شیطان و بدجنس نبودند. در اثر ندانم‌کاریها و اشتباهات تو است که چنین بچه‌هایی تربیت شده‌اند. گاهی نزاع زن و شوهر به جاهای باریک حتی کتک کاری و طلاق هم می‌رسد.

در اینجا لازم است به پدران و مادران یادآور شویم که کودکان شما واقعا "بچه هستند هرگز انتظار نداشته باشید که مانند افراد چهل پنجاه ساله ساکت و آرام در گوشه‌ای بنشینند. این واقعیت را بپذیرید که نزاع و سر برهم گذاشتن کودکان یک خوی طبیعی است. اگر چند نفر زن و مرد بزرگ هم که راه و رسم زندگی را خوب نیاموخته‌اند ناچار باشند مدتی باهم در یک خانه زندگی کنند و سر یک سفره بوسینند کمتر اتفاق می‌افتد که بی‌نزاع و کشمکش بمانند، شما از کودکان یک خانواده چگونه انتظار دارید که مدتها در یک خانه ساکت و آرام زندگی کنند و سر برهم نگذارند با اینکه شیطنت خوی آنها است و در جلب منافع باید دیگر تراحم و بر خورد دارند. اتفاقاً "بچه‌ها انسانهای طبیعی و خوبی هستند که می‌توانند تا این مقدار هم باهم

در جمع کودکان خانواده وارد می‌شوند. در اینجا است که حسادت‌ها و کینه‌توزیها آشکار می‌گردد و بچه‌ها به‌جان هم می‌افتند. آیا بهترین است که پدر و مادر از اول مراقب رفتار خویش باشند و اسباب حسودبگیری فرزندانشان را فراهم نسازند؟ یک پدر و مادر آگاه قبل از اینکه نوزاد به دنیا بیاید کودکان بزرگتر را برای پذیرفتن او آماده می‌سازند. قبلا به آنها تذکر می‌دهند که به همین زودی برادر یا خواهر کوچکی پیدا خواهد کرد. او بزرگ می‌شود شمارا دوست دارد و باهم بازی خواهید کرد.

اگر برای نوزاد چیزی تهیه می‌کنند چیزی هم برای کودکان دیگر می‌خرند. وقتی مادر درزایشگاه بستری شده پدر می‌تواند هدیه‌ای برای کودکان بیاورد و بگوید: این هدیه را به



مناسبت تولد نی‌نی کوچولو برای شما تهیه کرده‌ام. وقتی نوزاد را به منزل می‌آورند زیاد سر و صدا راه نمی‌اندازند. در حضور کودکان زیاد از او تعریف و تمجید نمی‌کنند. مانند سابق بلکه بیشتر به کودکان می‌رسند و اظهار

کنند. پدر و مادر باید علل و عوامل اختلاف را قبلا بشناسند و از پیدایش آنها جلوگیری کنند و الا بعد از بوجود آمدن علل، برطرف ساختن آنها بسیار دشوار خواهد بود. یکی از علل عمده اختلافات کودکان حسادت‌ها و هم‌چشمیهای آنها است. نادیده گرفتن، حسادت‌های آنها را از بین نمی‌برد، تنبیه و سرزنش هم چاره کار نیست. باید از عوامل پیدایش حسادت جلوگیری نمود.

کودک خودپرست است. دلش می‌خواهد تنها محبوب پدر و مادر باشد و دیگری در قلب آنها جای نداشته باشد. اتفاقاً "بچه‌اول از این مزیت برخوردار است. پدر و مادر، او را می‌بویند و می‌بوسند، خواسته‌هایش را انجام می‌دهند و به سازش می‌رقصند. اما وقتی بچه دوم بدنیا آمد اوضاع کاملاً عوض می‌شود. تمام توجه پدر و مادر به سوی نوزاد تازه وارد معطوف می‌گردد. در اینجا است که کودک ارشد احساس خطر می‌کند و می‌بیند که مهمان کوچک ناخوانده رقیبش شده و آرامش او را برهم زده و پدر و مادرش را متخاصم نموده‌است. احساس می‌کند که این مهمان ناخوانده، لوس را دوست ندارد و باید از او انتقام بگیرد. اما نوزاد در حمایت پدر و مادر زندگی می‌کند و از قبول او چاره‌ای ندارد. در این مورد کودک ارشد ممکن است تمارض کند یا بی خود به زمین بیفتد یا بهانه بگیرد و غذا نخورد یا قه‌ر و گریه کند یا شلواریش را خیس کند تا بدین وسیله توجه پدر و مادر را به سوی خویش جلب نماید. این کودک که به عقیده خودش مظلوم واقع شده از همین حالا کینه، برادر یا خواهر را در دل می‌گیرد و در بی فرصت می‌گردد تا از او انتقام بگیرد. همه بچه‌ها با همین منوال بوجود می‌آیند و

اینجلازم است یادآوری کنیم که بچه‌ها در مورد محبت پدر و مادر خیلی حساس و کنجکاوند و زود واقع را درک می‌کنند، پدر و مادر باید خیلی مواظبت داشته باشند.

بعضی از پدران و مادران، برای تربیت بچه‌ها، مزیت یکی از آنها را برخ دیگری می‌کشند. مثلا "میگویند: حسن! خوب درس بخوان تا مانند مہین نمره‌های خوب بیاوری، زهرا! تو هم مانند خواهرت زینت باش که به مادر کمک می‌کند، بین چه دختر خوبی است؟ رضا تو هم مانند برادرت علی با ادب سر سفره بنشین و غذا بخ. بین چه پسر با ادبی است! و... رفتار این پدران و مادران کاملا "غلط است. زیرا نه تنها نتیجه تربیتی ندارد و بچه‌ها را بهتر نمی‌کند بلکه روح رقابت و حسود دیگری را در آنان القا می‌کند، و آنها را برای انتقام و کینه‌توزی مصمم می‌سازد. گاهی خود کودکان این مطلب را بر زبان می‌آورند و می‌گویند: پدر و مادر ما گمان می‌کنند اگر کارهای دیگران را برخ ما بکشند بدین وسیله می‌توانند در ما نفوذ کنند ولی اشتباه می‌کنند این کارها نتیجه ندارد. یکی از علل اختلاف و دلخوری بچه‌ها توقعات بیجای پدر و مادر است. گاهی یکی از بچه‌ها میل پیدا می‌کند که در اسباب بازیهای برادر یا خواهرش تصرف کند ولی او اجازه نمی‌دهد. کار به کشمکش و نزاع منتهی می‌گردد. در اینصورت پدر یا مادر دخالت می‌کنند و به زبان خوش و اگر نتیجه نداد با تهدید او را وادار می‌کنند که اسباب بازیهایش را در اختیار آن بچه قرار دهد. می‌گویند: برادر تو است، چرا نمی‌گذاری با اسباب بازیهایت بازی کند؟

محبت می‌نمایند. طوری رفتار می‌کنند که کودکان بزرگتر مطمئن شوند که وجود نوزاد نه تنها لطمه‌ای به زندگی آنها نزده بلکه وضع آنها را بهتر نموده است. در چنین صورتی می‌توانند نوزاد تازه را با آغوش باز بپذیرند و مقدمش را گرمی بدارند. و به طور کلی اگر پدر و مادر میل دارند که بچه‌هایشان با هم رفیق باشند و کمتر نزاع و سر و صدا راه بیندازند باید از علل و اسباب حسادت‌ها جلوگیری کنند. همه بچه‌ها را با یک چشم ببینند و با آنان یکسان رفتار کنند تا با هم رفیق باشند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: انصاف اختلاف را برطرف می‌سازد و باعث دوستی می‌شود. ۳

حضرت علی علیه السلام فرمود: رفتار عادلانه بهترین سیاستهاست. ۴

ممکن است بعضی بچه‌ها واقعا "مزایائی داشته باشند که محبت پدر و مادر را بیشتر جلب نمایند. ممکن است بعضی بچه‌ها باهوش‌تر باشند، ممکن است زیباتر باشند، ممکن است خوش اخلاق‌تر باشند، ممکن است پرکارتر باشند، ممکن است خوش زبانتر باشند، ممکن است رفتارشان با پدر مادر بهتر باشد. ممکن است نمره‌های درسی او بهتر باشد، ممکن است پدر یا مادر دختر یا پسر را بیشتر دوست بدارند و...

البته همه اینها ممکن است، مانعی هم ندارد که پدر و مادر قلبا "یکی از بچه‌ها را بیشتر دوست بدارند، اما باید رفتارشان نسبت به همه کودکان کاملا "یکسان باشد و در بین آنان تفاوتی نگذارند. به طوری که بچه‌ها کوچکترین اثری از ترجیح و مزیت مشاهده نکنند. در

طبق توانائی ، برای هریک از آنها کاری معین کنند و برعهده‌اش بگذارند . نااختلافی بوجود نیاید . یکی از علل ناسازگاریها بیکاری و بلا تکلیفی است ، سعی کنید برای کودکان کار باسرگرمی تهیه کنید نازاعها کمتر شود . مخصوصاً " اگر بتوانید آنها را به بازیهای دسته جمعی و تعاونی وقتی تشویق کنید بسیار مفید خواهد بود .

دعوا و کشمکش پدر و مادر نیزگاهی سبب نزاع کودکان می‌شود . بچه‌های بیگناه وقتی مشاهده



می‌کنند که پدر و مادرشان دائماً " بگو مگو و جنگ و دعوا دارند چنین می‌پندارند که جنگ و دعوا از لوازم زندگی و یک امر اجتناب ناپذیر است . بدین جهت از پدر و مادر تقلید می‌کنند و همین صحنه‌ها را در بین خودشان بوجود می‌آورند . بنابراین پدر و مادری که از نزاع و کشمکش بچه‌ها بتنگ آمده‌اند ، ابتداءً خودشان را اصلاح کنند و جنگ و نزاع را کنار بگذارند سپس به اصلاح کودکان بپردازند .

اصلاً این اسباب بازیها را خریدیم مگر مال تو است که اجازه نمی‌دهی برادرت با آنها بازی کند؟ اگر چنین رفتاری داشته باشی ترا دوست نمی‌دارم و دیگر برایت اسباب بازی نمی‌خرم . طفلک بیچاره هم خواه ناخواه تسلیم می‌شود . اما پدرش را یک زورگو و برادرش را یک متجاوز می‌شمارد و کینه هردو را در دل می‌گیرد تا در موقع مناسب به حسابشان برسد زیرا کودک اسباب بازی را ملک حقیقی خودش می‌داند و عقیده دارد که نباید کسی بدون اجازه اش در آن تصرف نماید بدین جهت خودش را مظلوم و پدر و برادرش را ظالم می‌داند . البته در اینجا حق با کودک است ، زیرا مگر خود پدر و مادری کسی اجازه می‌دهند که بسه زور در اموال اختصاصی آنها شرکت جوید که چنین انتظار ناروایی را از کودک مظلوم دارند؟ هرکس مختصاتی دارد و می‌تواند دیگران را از تصرف در آنها ممنوع سازد ، و در این مورد کوچک و بزرگ بیگانه و خویش تفاوتی ندارد . البته پدر و مادر اگر عاقل و باتدبیر باشند می‌توانند در طول ایام روح تعاون و گذشت را در بچه‌ها بوجود بیاورند و کاری کنند که کودکان از روی میل و رغبت اجازه بدهند که برادران و خواهرانشان در اسباب بازیها و سایر مختصاتشان تصرف نمایند .

یکی از عوامل اختلاف بچه‌ها انجام کارهای منزل است . ممکن است پدر و یا مادر کاری را برعهده یکی از کودکان بگذارند و دیگری را معاف بدارند . در این صورت نزاع و کشمکش شروع می‌شود اگر پدر و مادر بخواهند جلو این قبیل کشمکش‌ها را بگیرند باید همه بچه‌ها را با یک چشم نگاه کنند و در بینشان تفاوتی قائل نشوند . یا از هیچکدام کاری نخواهند یا اینکه استعداد آنها را بسنجند و بر



می‌کردند. آری تبعیض آنها بود که برادرم را به حسود دیگری وامی داشت و عقده‌اش را سرمن خالی می‌کرد و برای انتقام از پدر و مادر، من بیچاره را رنج می‌داد. رفتار غلط پدر و مادر باعث بود که من و برادرم شبانه روز در جنگ و دعوا بودیم.

۱- روانشناسی کودک، از تولد تا ده سالگی ص

۲۸۶

۲- روانشناسی کودک - رفتار کودکان از تولد تا

ده سالگی ص ۲۸۶

۳- غرر الحکم ص ۶۴

۴- غرر الحکم ص ۴

مادر در حالت

البته شاید کمتر خانواده‌ای

پیدا شود که هیچگاه کدورت و نگرانی برایشان اتفاق نیفتد ولی می‌توانند بگویند که ما رادر غیاب کودکان انجام دهند. و اگر احیانا در حضور آنها انجام گرفت می‌توانند بدبچه‌ها بگویند: ما، در موضوعی باهم اختلاف نظر داریم می‌خواهیم اختلافمان را حل کنیم.

در خاتمه یادآور می‌شویم که ممکن است شما همه این نکات و نکات دیگر را مراعات کنید باز هم نتوانید نزاع بچه‌ها را کاملاً مرتفع سازید و خانه‌ای آرام بوجود آورید. شما چنین انتظاری نداشته باشید، ما هم چنین قولی ندادیم بچه‌های شما هم غیر طبیعی نیستند. نزاعهای کودکانه و سرسبک‌گذاشتن یکدیگر برای بچه‌ها یک امر طبیعی است. کودکان انرژی زیادی دارند با این قبیل حرکات، آن را به مصرف می‌رسانند. مواظب باشید یکدیگر را ناقص نکنند و اذیت‌های شدید نرسانند بهتر است حتی القوه در نزاعهای کوچک آنها دخالت ننمائید. بگذارید خودشان مشکلاتشان را حل کنند. خیلی هم از این وضع ناراحت نباشید صبر کنید رفتار آنان خود بخود اصلاح خواهد شد.

..... در ضمن نامه‌اش می‌نویسد: دختر

کوچکی بودم بسیار دلسوز و مهربان. برادرم در هر فرصتی به من اذیت می‌کرد. کتک می‌زد نیشگون می‌گرفت، مسخره می‌کرد، اسباب بازیهایم را خراب می‌کرد. بامن لجبازی می‌کرد و هلم می‌داد. کتاب و دفترم را پاره می‌کرد. خلاصه همیشه بامن دعوا و دشمنی می‌کرد، اما من علتش را نمی‌فهمیدم بعداً متوجه شدم که برادرم تقصیر نداشته‌است بلکه تقصیر با پدر و مادرم بوده‌است که بمن بیشتر از برادرم محبت